

دو تحریر متفاوت از جامع التمثیل

شهرام آزادیان

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران

محمدعلی اجتهادیان^۱

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران

(از ص ۹۷ تا ۱۱۱)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۱۰/۷، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۱۲/۲۲

چکیده

جامع التمثیل را محمدعلی حبله‌رودی در قرن یازدهم تألیف کرده است. این کتاب مجموعه‌ای است از امثال و حکم و نیز حکایات و مواعظ مرتبط با آنها. از این کتاب نسخه‌های خطی فراوانی در کتابخانه‌های مختلف جهان موجود است. نگارندگان در تلاش برای تصحیح انتقادی این کتاب متوجه دو تحریر متفاوت از آن شدند. کلیات این دو تحریر یکسان است، اما در برخی از مطالب و نیز شیوه نگارش با هم تفاوت‌های اساسی دارند. این مقاله به تفاوت‌های این دو تحریر و دلایل ترجیح یک گروه از نسخه‌ها بر دیگری می‌پردازد و می‌کوشد علل و انگیزه‌های به وجود آمدن این دو تحریر را بررسی کند؛ تا آنجا که در نهایت درمی‌یابیم آنچه به عنوان جامع التمثیل در ایران رایج است صورتی بسیار متفاوت از اصل کتاب حبله‌رودی است و احتمالاً کسی در این کتاب دست برده و مطالبی را از آن کاسته یا به آن افزوده است تا جامع التمثیل به قامت کتابی صرفاً واعظانه درآید و به عبارت دیگر، وجه وعظ‌آمیز و اخلاقی و مذهبی این کتاب بر وجه ادبی آن غلبه کند.

واژه‌های کلیدی: جامع التمثیل، مجمع الأمثال، ضرب‌المثل، موعظه، حکایت، تحریرهای متفاوت.

۱. مقدمه

جامع التمثیل صورت تغییر یافته و کمال پذیرفته مجمع الأمثال است. محمدعلی حبله‌رودی که اصالتاً از اهالی فیروزکوه مازندران بود، کتاب مجمع الأمثال را در سال ۱۰۴۹ ق تألیف کرد؛ یعنی هنگامی که در دربار عبدالله قطب‌شاه (ح ۱۰۳۵-۱۰۸۳ ق) در حیدرآباد هند حضور داشت. او به تشویق و خواستاری محمد بن خاتون عاملی (ف ۱۰۵۹ ق)، وزیر دانشمند و دانش‌پرور قطب‌شاه، ضرب‌المثل‌های زبان فارسی را در این کتاب گردآوری کرده است. به گفته حبله‌رودی، مجمع الأمثال نخستین کتاب در موضوع امثال فارسی است (۱۳۴۴: ۳-۵).

پس از چندی، حبله‌رودی در سال ۱۰۵۴ ق، برای تقدیم کتاب به قطب‌شاه، حکایات و مواعظی آمیخته با آیات و احادیث و اشعار، به علاوه امثال جدید و نیز توضیحات و شواهدی برای برخی از کنایات، به مجمع الأمثال افزود که حاصل آن کتاب جامع التمثیل شد. این کتاب با مقدمه‌ای که با مقدمه مجمع الأمثال تقریباً یکسان است آغاز و در پی آن حکایات و امثالی نقل می‌شود که برگرفته از آیات قرآن و منطبق بر آنهاست. پس از این مقدمات، ۲۸ فصل می‌آید که در ابتدای هر فصل امثال یکی از حروف الفبا آمده است. در میان این امثال، کنایاتی نیز به چشم می‌خورد که اغلب معانی و توضیحاتی برای آنها آمده و شواهدی از اشعار گویندگانی چون سعدی، خاقانی، نظامی، کمال‌الدین اسماعیل و ... برای برخی از آنها ذکر شده است. پس از امثال، چند داستان که با آیات و احادیث و مواعظ فراوانی همراه است، نقل شده که در آنها برخی از امثال آن حرف نیز به کار رفته است؛ البته کمتر پیش می‌آید که این داستان‌ها حکایت و سبب پیدایش یک مثل را بیان کرده باشند، بلکه امثال و حکم به کار رفته در داستان‌ها عام هستند و فقط با هدف تأکید مطلب و بیان حکمت در میان داستان‌ها آمده‌اند.

مآخذ حبله‌رودی در گردآوری امثال و حکم، به گفته خودش، دیوان شعرا و نیز شنیده‌های او از زبان مردم بوده است. وی در بخش کنایات از مجمع الفرس سروری بهره فراوانی برده است. همچنین، مآخذ اصلی امثال قرآنی و داستان‌های او، دو کتاب جوامع الحکایات عوفی و قره‌العین، از مؤلفی ناشناس بوده است.

۲. دو گروه از نسخه‌های جامع التمثیل

به سبب آنکه جامع التمثیل طی سال‌های متمادی کتابی عامه‌پسند و پرخواننده بوده، نسخه‌های خطی فراوانی از آن در ایران و خارج از ایران موجود است که برخی از مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

- نسخه کتابخانه ملی،^۱ مورخ ۱۲۳۷؛
- نسخه کتابخانه ملک، مورخ ۱۲۴۴ (افشار، دانش‌پژوه، ۱۳۵۴، ج ۲: ۱۷۵)؛
- نسخه کتابخانه مجلس، مورخ ۱۲۵۷ (اشکوری، ۱۳۸۸، ج ۲۸: ۱۲۲)؛
- نسخه کتابخانه آستان قدس، مورخ ۱۲۷۶ (کلچین معانی، ۱۳۴۶، ج ۷: ۲۵۴)؛
- نسخه کتابخانه بانکی پور، حدوداً قرن هجدهم میلادی (دانش‌پژوه، ۱۳۴۸، ج ۱: ۶۳)؛
- نسخه کتابخانه ایندیا آفیس، بی‌تاریخ (اته، ۱۹۰۳-۳۷، ج ۱: ۱۲۰۲).

از میان این نسخه‌ها سه نسخه منحصر به فرد آستان قدس، ایندیا آفیس و بانکی پور متمایز از بقیه‌اند. ما در این مقاله برای اختصار، سه نسخه متفاوت (آستان قدس، ایندیا آفیس، بانکی پور) را «آب» و نسخه‌های گروه دوم (ملی، ملک، مجلس) را «م» می‌نامیم. همچنین در ارجاعات، نسخه ملک را اختصاراً «مل» و نسخه کتابخانه ایندیا آفیس را اختصاراً «بر» می‌شناسیم.

۳. نسبت نسخه‌ها با یکدیگر

نسخه‌های گروه «م» با وجود اختلافات اندک نگارشی، شباهت فراوانی در کلیات و جزئیات با یکدیگر دارند؛ بنابراین، به آسانی می‌توان آنها را در یک گروه جای داد. همچنین با توجه به نسخه‌های متعدد بررسی‌شده در ایران، همه نسخه‌های جامع التمثیل که در ایران یافت می‌شوند، در گروه «م» جای می‌گیرند.

در نسخه‌های گروه «آب»، دو نسخه آستان قدس و بانکی پور بسیار به هم شباهت دارند؛ تا جایی که اغلاط محتوایی و نگارشی و نیز شیوه نگارش و ترتیب امثال و حکایت‌ها و حتی افتادگی‌ها در آنها یکسان است و می‌توان گفت یکی از آنها از روی دیگری کتابت شده است یا به احتمال زیاد هر دو از روی یک نسخه نوشته شده‌اند. نسخه ایندیا آفیس نیز، به‌رغم تفاوت‌های نگارشی با نسخه‌های آستان قدس و بانکی پور، به سبب آنکه با این دو نسخه در اسلوب و کلیات هم‌داستان است و نیز نقاط افتراقش با

نسخه‌های گروه «م» کاملاً مانند این دو نسخه (آستان قدس و بانکی‌پور) است، بی‌تردید در گروه نسخه‌های «آب» جای می‌گیرد.

نسخه‌های گروه «م» همه در ایران نگارش یافته‌اند و از گروه «آب» دو نسخه بانکی‌پور و ایندیا آفیس بی‌گمان و نسخه آستان قدس به‌گمان، در هند کتابت شده‌اند. در چاپ‌های مکرری که از این کتاب در ایران و هند صورت گرفته است (حروف‌چینی و سنگی)، تاکنون کسی متوجه و متذکر اختلاف تحریر این دو گروه از نسخه‌ها نشده و همه این چاپ‌ها از روی نسخه‌های مغلوط و ناقص گروه «م» انجام گرفته است. در آخرین تصحیحی که از این کتاب به بازار آمده است نیز این خطا و ایراد وجود دارد.^۲ اساس این دو تحریر یکسان است؛ به این معنا که هر دو، در ۲۸ فصل تنظیم شده‌اند و در هر فصل ابتدا امثال و سپس حکایات و مواعظ مرتبط با آنها آمده است و نیز برخی از امثال و حکایت‌ها در دو تحریر مشترک‌اند، اما وجوه اختلافی که این دو تحریر با یکدیگر دارند، آنها را کاملاً از یکدیگر متمایز کرده است.

۴. اختلافات دو تحریر

۴-۱. امثال

بسیاری از ضرب‌المثل‌هایی که در گروه «آب» آمده است، در گروه «م» موجود نیست؛ به طوری که میانگین امثال نسخه‌های گروه «آب» حدوداً ۲۲۳۶ و میانگین امثال نسخه‌های گروه «م» حدوداً ۱۳۶۰ عدد است؛ یعنی امثال گروه «آب» حدوداً ۶۰/۸ درصد بیشتر از امثال گروه «م» است.

۴-۲. حکایات و تمثیل‌ها

برخی از حکایات در دو گروه مشترک است و برخی در یکی وجود دارد و در دیگری نیست. ضمناً جایگاه و ترتیب تعدادی از حکایت‌ها در دو گروه متفاوت است؛ مثلاً حکایت‌های دو حرف «ف» و «ه» در دو گروه کاملاً با هم تفاوت دارد و یا حکایت «زرگر و نجار» در گروه «آب» در حرف «ر» و در گروه «م» ذیل مثل دیگری در حرف «الف» آمده است.

میانگین کل حکایات و تمثیل‌های گروه «آب» حدوداً ۹۹ و میانگین کل حکایات و تمثیل‌های گروه «م» حدوداً ۱۶۰ عدد است؛ یعنی حکایات و تمثیل‌های گروه «م» حدوداً ۶۱/۸ درصد بیشتر از گروه «آب» است.^۳

۴-۳. امثال منطبق با آیات قرآن

در گروه «آب» فصلی وجود دارد که در آن تعدادی از امثال فارسی ذکر شده‌اند که یادآور یکی از آیات قرآن هستند، اما در گروه «م» این قسمت وجود ندارد.

۴-۴. مضامین و سبک نگارش

مضامین و سبک نگارش و لغات و اصطلاحات به کار رفته در نسخه‌های گروه «م»، در موارد متعدد، به شیوه گفتار و نگارش و نیز سبک زبانی و فکری و عاظم و عالمان دینی و گاه عرفا شباهت فراوان دارد، اما در نسخه‌های گروه «آب» این شباهت کمتر است. گاه حتی کل حکایات یک فصل، مانند حرف «غ»، در نسخه‌های گروه «م» به این شیوه نگارش شده است، درحالی‌که شیوه نگارش حکایت‌های این فصل در نسخه‌های گروه «آب» کاملاً متفاوت است.

اگر نثر ساده و گاه عامیانه حبله‌رودی را در اغلب حکایت‌ها و مواعظ گروه «آب» با نثر علمایی بخش‌های زیادی از نسخه‌های گروه «م» (که نمونه‌هایش را در پی خواهیم آورد) مقایسه کنیم، درمی‌یابیم که این دو، هیچ نسبت و شباهتی با یکدیگر ندارند. در مجموع حجم مواعظ، نصایح، آیات، احادیث، ادعیه و مطالب دینی، مذهبی و عرفانی در گروه «م» بسیار بیشتر از گروه «آب» است. با دقت در صورت و محتوای این بخش‌ها، این ظن قوی پیش می‌آید که بخش‌های مذکور از کتب شیعی و عرفانی دیگر به جامع التمثیل اضافه شده‌اند. اکنون برای مثال، بخش‌هایی را با این خصوصیات زبانی و فکری، از نسخه‌های گروه «م» نقل می‌کنیم که در هیچ‌یک از نسخه‌های «آب» وجود ندارند:^۴

«پس بنده باید ... علم دین بیاموزد و علم دین تفسیر و حدیث و فقه است که شرع محمدی [به] این سه علم معتبر است، نه علم نجوم و شعر و معما و غیره. پس این طایفه را با اهل قرآن و حدیث و فقه نسبت نتوان داد که حضرت باری تعالی علمای شریعت را ... که از قرآن و حدیث و فقه بینایند، به زنده مثل زد و جهال را که طلب

نجوم و شعر ورزند، به مرده مثل زد ... و شیخ بهایی این معنی را به رشته نظم درآورد: علم رسمی سربه سر قیل است و قال ...» (حبله رودی، ۱۱۳۵: ۴۲).^۵

«آن دزد امان داد. بازرگان وضو بساخت ... و این دعا بخواند: یا ذُو العرش المجید، یا مبدئ، یا معید ... سه نوبت این دعا را بخواند و بر خود دمید. چون فارغ شد، ناگاه سواری به نظرش درآمد که بر اسب سفیدی سوار [بود] و عمامه سبزی بسته...» (همان: ۱۶۸-۱۶۹).

«و اول کسی که لا حول و لا قوة الا بالله گفت، حضرت رسول (ص) بود. پس هر که این ذکر ورد کند به شفاعت او بهره مند گردد. و شیخ قدس سره می فرماید که هر یک از این کلمات ذکر یکی از طوایف اربعه است ... سبحان الله ذکر انبیاست؛ به جهت آنکه تنزیه است و تنزیه بی معرفت ممکن نیست و کمال معرفت بر وجهی که مقدور باشد، از آن پیغمبران است» (همان: ۳۵۰-۳۵۱).

«بدان که قضا قاضی است به ظهور مقضی و قدر رساننده است به مقضی علیه و بنده به قدر می نگرد تا چه آرد و به قضا می نگرد تا چگونه فرماید و قدر به مشیت نگرد تا چه فرماید و مشیت از سر پرده علم قبض می کند و به قدر می سپارد و ارادت از خزانه قدر می گیرد و به قضا تسلیم می کند. قدر از قضا می ستاند و به بنده می رساند.» (همان: ۵۸۵-۵۸۶).

«... قومی دیگر دیدم که بر دارهای آتشین سرنگون آویخته و هر یکی را به زنجیر آتشین چیزها بسته؛ بعضی را سبو و بعضی را قدح و بعضی را خیک در گردن ها بسته و بعضی را طنبور و بعضی را بریط و نای آتشین بر ایشان بسته ... بعد از آن پرسیدم که یا مالک، چیست که از این دوزخیان هیچ آوازی بر نمی آید؟ گفت: اینجا مرگ نیست، اما چون روز پنجشنبه و شب جمعه است خدای تعالی عذاب از دوزخیان بردارد.» (همان: ۵۴۳-۵۴۸).

«و این دولت وقتی میسر شود که شهسوار روح از مرکب حدوث پیاده گردد ... و حواس را از عمل عقل معطل سازد و خرد فضول را به مقراض تنزه، زبان اعتراض ببرد و نفس دغا را در بازار عزت توحید بر سر چارسوق «و نهی النفس عن الهوی» سر مراد بردارد و لشکر هوا و شهوت را که جند شیطانند به حکم «الا إن حزب الشیطان هم الخاسرون» به صدمه عشق شکنند و دل را که دارالملک حق است که «قلوب احتیایی دارملکی»، بی عمارت عبودیت نگذارد و خانه طبع را که مملو است از اخلاق بشری به طوفان نیستی خراب کند و کون صغرا و کبرا را با شواهد دلایل عقل در پیچد و در کتم عدم افکند و بی احتمال حدوث در عالم بقا قدم زند و چون از ازدحام خلقت بیاساید خود را به دریای نیستی افکند تا از خود فانی شود. پس از بحر بقای ابدی سربر آورد ... چنانچه شیخ عطار رحمه الله گوید: حق را به حق شناس که در مذهب عقول...» (همان: ۶۴۴).

۴-۵. اختلاف نسخه‌های دو گروه

اگر بخواهیم دو گروه نسخه‌های «آب» و «م» را با یکدیگر مقایسه کنیم، باید بگوییم این دو، صرف نظر از حکایت‌هایی که در یکی هست و در دیگری نیست، در نگارش نیز با هم تفاوت‌های اساسی دارند؛ تا جایی که به هیچ روی نمی‌توان آنها را بر هم منطبق کرد. برای نشان دادن این موضوع، بخشی از یک حکایت مشترک را در دو گروه با هم مقایسه می‌کنیم:^۶

نسخهٔ بر:

«در بحر السعادت آورده‌اند که در زمان ماضی پادشاهی بود در ملک فارس و او را وزیر بود به‌غایت عاقل و دانا و پسری داشت در نهایت کیاست و فراست و به همهٔ علوم ماهر بود. و در شهر کرمان ملکی بود ناصبی و خارجی که بعد از مدتی آمدی و ملک فارس را غارت و تاراج کردی ... پادشاه از این معنی خوشحال گشته در خلوت پسر را طلبید و حقیقت را معلوم کرد، پسر را تشریف و انعام و اکرام فرمود. بعد از آن روی به وزیر کرد و فرمود که آنچه سامان و ضروریات سفر [است] باید سربراه کرده، او را روانه نمایند. پسر وزیر عرض نمود که زندگانی پادشاه دراز باد! به توفیق ایزد بی‌مثال و قادر بی‌زوال، بی‌زر و مال این ملال و کلال از دل مبارک پادشاه برآورم و به زر و سامان احتیاج نخواهد بود. پادشاه خوشحال گشته پرسید که ای جوان، چه نام داری؟ گفت: شها دین و دولت پناه تو باد/ چراغ خرد شمع راه تو باد!» (حبله‌رودی، ۲۲۰۹: برگ ۸۷ - ۸۸ الف).

نسخهٔ مل:

«در بحرالسعاده آورده‌اند که پادشاهی بود در فارس و او را وزیری بود دانا و عاقل و با ورع و تقوی. و پسری داشت در نهایت فراست و فهم و ادراک و به همهٔ علوم ماهر بود. و این پادشاه دشمنی داشت در بلخ که در هر چند سال با لشکر گران به سر فارس آمدی، قتل و غارت کردی ... پادشاه خوشحال گشت. صباح پسر وزیر را در خلوت طلبید، انعام و تشریف داد و به وزیر گفت: آنچه لازم است در این سفر سامان سرانجام کن تا زود روانه شود. وزیر عرض کرد که زندگانی پادشاه دراز باد! این کار به پیاده رفتن و لباس درویشی پوشیدن دست به هم می‌دهد. به توفیق الهی و اقبال پادشاهی، بی‌زر و مال و سرانجام، این اندیشه و کدورت از دل پادشاه به در برم. پادشاه خوشحال شد، گفت: ای جوان، چه نام داری؟ پسر وزیر زبان به حمد و ثنا بگشود و گفت: شها، دین و دولت قرین تو باد/ چراغ هدا شمع دین تو باد!» (حبله‌رودی، ۱۱۳۵: ۹۳-۹۴).

گاه پیش می‌آید حکایتی مختصر در نسخه‌های گروه «آب» وجود دارد که در نسخه‌های گروه «م» بخش‌هایی طولانی با رنگ و بوی گفتار واعظانه به آن افزوده شده است:

نسخه بر:

«آورده‌اند که ربیع بن خسیم (خثیم) دوات و قلم و کاغذ پیش خود می‌نهاد و هرچه می‌گفت بر آن کاغذ همه را می‌نوشت... و اینها از اخلاق پیغمبران است و شعار و دثار محرمان و مقربان است... و در حدیث معراج حضرت رسالت پناه (ص) بی واسطه جبرئیل (ع) از رب جلیل شنید که یا احمد...» (حبله‌رودی، ۲۲۰۹: برگ ۱۵۸ الف-۱۵۸ ب).

نسخه مل:

«آورده‌اند که خواجه ربیع الخسیم (خثیم) رحمه الله همیشه دوات و قلم در پیش خود می‌نهاد و از صبح تا شام هرچه می‌گفت بر کاغذی می‌نوشت... [اینها] از اخلاق عمل پیغمبران است و شعار مقربان و صادقان است. و گویند تا بیست سال دیگر سخن دنیا و عبس (عبث) بر زبان نراند تا واقعه حسین بن علی، علیه السلام، واقع شد. جمعی گفتند: امروز خواجه ربیع سخن خواهد گفت. پیش رفتند و با او گفتند. در جواب گفت که «عظم الله اجورنا و اجورکم بمصبنا (بمصائب) الحسین». فنظر الی السماء و بکا (بکی) ... و او را دختری بود. آن دختر روزی گفت: ای پدر بزرگوار...» (حبله‌رودی، ۱۱۳۵: ۲۴۳-۲۴۴).

۵. اصالت نسخه‌های گروه «آب»

به دلایل زیر اصالت و صحت نسخه‌های گروه «آب» بیشتر از گروه «م» است:

۱. از گفته خود حبله‌رودی در مقدمه مجمع الأمثال که در مقدمه جامع التمثیل نیز تکرار شده است، می‌توان دریافت که مؤلف، این هر دو کتاب را بیشتر به قصد ایجاد اثری ادبی و خدمت به زبان فارسی تألیف کرده است:

«آن ناظم دُرر معانی (محمد بن خاتون عاملی) فرمودند که ادبا و بلغای تازی به انتظام امثال عرب مساعی جمیله به ظهور رسانیده‌اند و ترکی‌زبانان به فراهم آوردن امثال ترکی غایت سعی مبذول داشته و به حکم آنکه چراغ پای خود را روشن نمی‌دارد، هیچ یک از فصحای فُرس به جمع آوردن امثال فارسی نپرداخته‌اند و آن دُرر منشور را در یک رشته منتظم نساخته، اگر کسی کمر سعی بر میان بندد و امثال اهل فُرس را که مانند بنات‌النعش پراکنده است، پروین‌مثال منتظم سازد، حقی بر این طایفه ثابت کرده خواهد بود.

از استماع آن کلام چندی از عزیزان به جمع آوردن امثال فارسی رغبت نمودند. این حقیر بی بضاعت نیز ... خود را در سلک ایشان درآورد ... و به جمع آوردن امثال فُرس، فُرس سعی در میدان تکاپو دوانید ... به خدمت یکی از دوستان اظهار نمود که در خاطر چنان است که امثال فارسی را که بعضی از آن مانند گنج در ویران است و برخی بی نام و نشان، یکجا فراهم آرد.» (حبله‌رودی، ۱۳۴۴: ۳-۵)

حبله‌رودی پس از چند سال، برای تکمیل مجمع الأمثال، حکایات و مواعظی را به آن افزوده است تا کتاب جدید (جامع التمثیل) شامل فواید اخلاقی نیز باشد و برای خواننده عام دلپذیرتر و خواندنی‌تر شود:

«و در ضمن امثال فُرس و حکایات، از قرآن و احادیث در سلک آن تقریر کرده، انواع فواید از پند و موعظه و نصایح آورده و به آیات قرآنی مزین گردانیده و از کلام اکابر و مشایخ بیان نموده تا عالم برای استفاده مطالعه نماید و جاهل برای هزل و افسانه بخواند و هر کدام تمتعی بردارند» (حبله‌رودی، ۲۲۰۹: برگ ۳۷۵ الف).

بنابراین، می‌توان گفت موعظه هدف و غرض اصلی مؤلف در ابتدای کار نبوده است. از طرفی، چنان‌که در بخش اختلافات دو تحریر ذکر شد، امثال نسخه‌های گروه «م» (۱۳۶۰ مَثَل) بسیار کمتر از امثال گروه «آب» (۲۲۳۶ مَثَل) است، در حالی که مؤلف هیچ‌گاه در جامع التمثیل نگفته است که در ازای افزودن حکایات و مواعظ از امثال کاسته است، بلکه به عکس از خوانندگان درخواست کرده است تا امثال از قلم افتاده را به کتاب بیفزایند:

«استدعا از خداوندان طبع سلیم و ذهن مستقیم آنکه ... چنانچه در این مجموعه سهوی و لغوی شده باشد، ... به ذیل عفو بیوشند ... و به قلم اصلاح در رفع آن بکوشند ... و هر مثلی که به خاطر صاحب‌دلان منصف برسد، الحاق فرمایند» (حبله‌رودی، ۲۲۰۹: برگ ۷ الف).

حال درباره نقصان امثال در نسخه‌های گروه «م» این پرسش پیش می‌آید که چرا حبله‌رودی چندی پس از تألیف کتاب نخست خود، مجمع الأمثال، به جای تکمیل و افزودن امثال نویافته به آن، در تألیف بعدی‌اش، جامع التمثیل، از امثال (جنبه‌های ادبی اثرش) کاسته و بر مواعظ افزوده و به عبارت دیگر، فرع را بر اصل ترجیح داده است؟

مجمع الأمثال حدوداً ۲۰۹۵ مثل دارد که امثال نسخه‌های گروه «م» کمتر از امثال آن و امثال نسخه‌های «آب» بیشتر از امثال آن است.^۷ از طرفی، می‌دانیم که جامع التمثیل در تکمیل مجمع الأمثال نگاشته شده است. پس منطقاً نسخه‌های گروه «آب» اصیل‌ترند؛ زیرا امثال بیشتری از گروه «م» دارند و می‌توان گفت مجمع الأمثال را تکمیل کرده‌اند.

۲. حکایات و مواعظی که در نسخه‌های گروه «آب» آمده‌اند، نثری روان و ساده دارند. بخش‌هایی از نسخه‌های گروه «م» (که این بخش‌ها غالباً با «آب» مشترک‌اند) نیز چنین شیوه‌ای دارند، اما سبک نگارش بخش‌هایی از گروه «م» (بیشتر در بخش مواعظ و تمثیل‌ها) از جهت ظاهر و محتوا، چنان‌که در بخش مضامین و سبک نگارش توضیحات و نمونه‌های آن ذکر شد، با بقیه متن متفاوت است و به شیوه عالمان دینی و گاه عرفا شباهت دارد؛ بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که آن بخش‌ها اصالتاً متعلق به جامع التمثیل نیستند و بعداً به آن افزوده شده‌اند و از این جهت نیز گروه نسخه‌های «آب» که این بخش‌ها را ندارند، اصالت بیشتری دارند.

۳. گفتیم که *جوامع الحکایات*، *قرّة العین* و *مجمع الفرس*، از جمله مآخذ اصلی جامع التمثیل بوده‌اند و حکایات و کنایات فراوانی از این مآخذ به هر دو گروه از نسخه‌ها راه یافته است. در نسخه‌های «آب» بخش‌هایی وجود دارد که با تغییرات اندک و با صحت از روی این مآخذ نقل شده است، درحالی‌که همین بخش‌ها در نسخه‌های «م» یا کاملاً تغییر کرده یا تسهیل شده و یا اینکه مغشوش است و این نشان می‌دهد که نسخه‌های گروه «آب» کمتر دست خورده‌اند؛ برای مثال، می‌توان این بخش‌ها را ذکر کرد:

- *جوامع الحکایات*: «حکیمی بود از حکمای عرب که او را شنّ خواندندی» (عوفی، ۱۳۸۷: ۳۹۱).
- نسخه بر: «مردی بود در بلاد عرب، حکیم شبش (شنّ) نام» (حبله‌رودی، ۲۲۰۹: برگ ۳۵۲ ب).
- نسخه مل: «در بلاد یمن حکیمی عرب بود در کمال دانش و فضل و حکمت» (حبله‌رودی، ۱۱۳۵: ۶۵۰).
- *جوامع الحکایات*: «سید کاینات، علیه‌السلام، فرموده: «العرق نزّاع»» (عوفی، ۱۳۸۶ ج: ۶۹۷).
- نسخه بر: «حضرت رسالت پناه فرمود: «العرق نزّاع»» (حبله‌رودی، ۲۲۰۹: برگ ۳۴۶ ب).
- نسخه مل: «حضرت رسول (ص) فرموده است: «المعرق زاغ»» (حبله‌رودی، ۱۱۳۵: ۶۳۹).
- *قرّة العین*: «چون به بغداد رسیدم، نخاس برده را گفتم که از برای من کنیزکی شایسته بخر» (مؤلف ناشناس، ۱۳۵۴: ۸۵).

- نسخه بر: «چون به بغداد رسیدم، نخاسی را گفتم برای من کنیزی بخیر» (حبله‌رودی، ۲۲۰۹: برگ ۲۳ الف).
- نسخه مل: «به بغداد رسیدم. به دلال گفتم برای من کنیزی بخیر» (حبله‌رودی، ۱۱۳۵: ۳۶).
- قره‌العین: «عبدالرحمن اموی که صاحب اندلس بود گفت...» (۱۳۵۴: ۸۵).
- نسخه بر: «عبدالرحمن اموی صاحب اندلس بود و گفت...» (حبله‌رودی، ۲۲۰۹: برگ ۲۳ الف).
- نسخه مل: «عبدالرحمن اموی که صاحب اندیشه بود گفت...» (حبله‌رودی، ۱۱۳۵: ۳۶).
۴. برخی از حکایات و کنایات که از مآخذ اصلی پیش‌گفته به جامع التمثیل راه یافته‌اند و طبعاً در نسخه‌های «آب» نیز هستند، در نسخه‌های گروه «م» وجود ندارند؛ مثلاً حکایت‌های «ابوبکر مجاهد»، «داوود ربیع حلوانی»، «ابومسلم مروزی»، «دو حکایت از امام حسن (ع)» از قره‌العین (مؤلف ناشناس، ۱۳۵۴: ۷۵، ۹۴، ۱۰۲، ۱۱۵، ۱۲۰) و حکایت‌های «حاجب خسرو پرویز» و «مرد واعظ و پادشاه» از جوامع الحکایات (عوفی، ۱۳۸۶ الف: ۹۵ و ۱۳۸۶ ب: ۳۵) و کنایات بسیاری همچون «آتش بی‌زبان» و «آتش‌تر» از مجمع‌الفرس (سروری، ۱۳۳۸: ۱۵۷۴ و ۱۵۷۹) عیناً در نسخه‌های «آب» نیز تکرار شده‌اند (حبله‌رودی، ۲۲۰۹: حکایت‌های قره‌العین: برگ‌های ۱۷ ب، ۲۱ ب، ۲۲ الف، ۲۲ ب، ۲۶ ب؛ حکایت‌های جوامع الحکایات: برگ‌های ۳۷۰ ب، ۱۱۵ ب؛ کنایات مجمع‌الفرس: برگ ۷۵ الف)، اما در نسخه‌های «م» اثری از آنها نیست؛ بنابراین، پذیرفتن این نکته که این حکایات و کنایات در اصل کتاب بوده‌اند و از نسخه‌های گروه «م» حذف شده‌اند، آسان‌تر است تا اینکه فرض کنیم این قسمت‌ها در اصل کتاب جامع التمثیل نبوده‌اند و کسی آنها را از مآخذ اصلی (جوامع الحکایات و ...) به نسخه‌های «آب» اضافه کرده است.
- همچنین، بخش امثال فارسی منطبق بر آیات قرآن که از قره‌العین (ناشناس، ۱۳۵۴: ۸-۲۴) به جامع التمثیل راه یافته و در نسخه‌های «آب» پس از مقدمه مؤلف و حکایت‌های مرتبط با آیات قرآن آمده است (حبله‌رودی، ۲۲۰۹: برگ ۳۲ ب- ۳۶ الف) و پیش‌درآمدی برای ورود به موضوع امثال است، در نسخه‌های «م» وجود ندارد؛ حال آنکه انتظار می‌رود کتابی که درباره امثال است، چنین آغازی داشته باشد و حذف این بخش در نسخه‌های گروه «م» معقول نمی‌نماید.

بر خلاف مطلب پیشین، مبنی بر اینکه بخش‌هایی به نقل از منابع معتبر و شناخته‌شده، همچون *جوامع الحکایات* و ...، در نسخه‌های گروه «آب» وجود دارد که در نسخه‌های گروه «م» نیست، بخش‌هایی نیز تنها در نسخه‌های گروه «م» وجود دارد که منابع آنها معلوم نیست و بر ما پوشیده است که این بخش‌ها از کدام مأخذ به نسخه‌های «م» راه یافته است و آیا اصولاً بخش‌های مذکور منبعی دارند یا اینکه کسی آنها را بدون استفاده از منابع دیگر تألیف کرده است.

صورت برخی از لغات و امثال و احادیث و اشعار در نسخه‌های گروه «م» بسیار مغشوش و نادرست است، در حالی که در نسخه‌های گروه «آب» صورت صحیح آنها آمده است. این نکته آشکار می‌کند که در نسخه‌های گروه «م» تصرفات بیشتری شده است؛ مثلاً:

- نسخه مل: «دل دارد زیبا، هرچند به دل میبا» (حبله‌رودی، ۱۱۳۵: ۲۶۳-۲۶۴).
- نسخه بر: «دلی دارد زیبا، هرچه بدید می‌با» (حبله‌رودی، ۲۲۰۹: برگ ۱۶۵).
- نسخه مل: «یک جا یک صد هزار ارواح» (حبله‌رودی، ۱۱۳۵: ۶۷۷).
- نسخه بر: «یک چلیپک (چلبک، چربک) و صد هزار ارواح» (حبله‌رودی، ۲۲۰۹: برگ ۳۶۲).
- نسخه مل: «ای سرور کام‌بخش و ای پیرو دین / ای صاحب عز و جاه و تمکین // محتاجان را تو دستگیری امروز / باغ بالا و آسیای پایین» (حبله‌رودی، ۱۱۳۵: ۱۱۳).
- نسخه بر: «ای سرور کام‌بخش و ای خسرو دین / ای صاحب عز و جاه و شان و تمکین // مسکینان را دست تو و دامن تو / باغ بالا و آسیای پایین» (حبله‌رودی، ۲۲۰۹: برگ ۹۷ الف).

۶. دو نسخه ایندیا آفیس و بانکی پور یقیناً در هند کتابت شده‌اند و نسخه آستان قدس به سبب شباهت فراوان با نسخه بانکی پور (که در بخش «نسبت نسخه‌ها با یکدیگر» مختصراً به آن اشاره شد)، احتمالاً متعلق به همان دیار است؛ بنابراین، می‌توان گفت که چون حبله‌رودی *جامع التمثیل* را در هند تألیف کرده است و طبیعتاً نسخه‌های اصیل که از روی نسخه مؤلف کتابت شده‌اند در آن منطقه بیشترند، نسخه‌های گروه «آب» به اصل کتاب نزدیک‌ترند.

۷. به نظر می‌رسد نسخه بانکی پور در بین نسخه‌های موجود، اقدم نسخ *جامع التمثیل* باشد. این نسخه تاریخ کتابت ندارد، اما در هم ریختگی اوراق (که نشانه از

بین رفتن شیرازة کتاب و صحافی مجدد، اما نامرتب آن است.) و فرسودگی آنها (که حتی در عکس این نسخه نمایان است.) نشان از قدمت آن دارد. همچنین در فهرست کتابخانه بانکی پور تاریخ کتابت این نسخه را قرن هجدهم میلادی دانسته‌اند (عبدالمقتر، ۱۹۲۵، ج ۹: ۱۳۴) که حتی اگر آخرین سال قرن هجدهم را در نظر بگیریم (۱۷۹۹ م)، این تاریخ معادل ۱۲۱۳ ق می‌شود؛ بنابراین، می‌توان گفت نسخه‌های گروه «آب» از نظر قدمت نیز بر نسخه‌های گروه «م» برتری دارند.

۶. نتیجه

قدیمی‌ترین نسخه جامع التمثیل که در ایران استنساخ شده و نام و نشان آن در فهرست‌ها موجود است، به تاریخ ۱۲۳۴ ق است؛^۸ بنابراین، می‌توان چنین استنباط کرد که حدوداً از اوایل قرن سیزدهم و پس از آن، صورت تغییر یافته‌ای از کتاب جامع التمثیل در ایران رواج داشته است. بر این اساس، تغییراتی که در این کتاب داده شده، مسلماً پیش از این تاریخ و احتمالاً در ایران بوده است؛ زیرا این تغییرات فقط در نسخه‌هایی به چشم می‌خورد که در ایران کتابت شده‌اند.

سبب اختلاف این دو تحریر را می‌توان چنین حدس زد که چون یکی از فواید و اغراض جامع التمثیل موعظه و اخلاق شمرده می‌شده و دست‌مایه مناسبی برای واعظان و عالمان دینی بوده است، کسی احتمالاً از سنخ همین وعاظ و علما^۹ به فکر افتاده است تا تغییراتی در تحریر نخست ایجاد و به پندار خود آن را کامل‌تر و مفیدتر کند؛ از این‌رو، تعداد امثال آن را کاهش داده و بخش امثال منطبق بر آیات قرآن را حذف کرده است؛ چون هر دوی این بخش‌ها صرفاً یک مبحث ادبی بوده‌اند و به کار موعظه نمی‌آمده‌اند. از طرفی، حکایت‌هایی را به آن اضافه کرده یا از آن کاسته است و بخش‌هایی را در موعظه و اخلاق یا خود نگاشته یا به احتمال زیاد از کتاب‌های دیگر انتخاب کرده و به آن افزوده است و حاصل این کار تحریر دوم کتاب جامع التمثیل شده است.

از آن پس، این تحریر دوم، به سبب اقبال عامه، در ایران تکثیر شده و جای اصل کتاب را گرفته است تا جایی که نسخه‌های اصلی کتاب در هند مهجور مانده‌اند و در نهایت جامع التمثیلی که در ایران شناخته شده و طبع و ذوق خوانندگان ایرانی آن را پسندیده است، با اصل کتاب حبله‌رودی^{۱۰} تفاوت‌های فراوانی یافته است.

پی‌نوشت

۱. عکس این نسخه در بخش نسخ خطی پایگاه الکترونیکی کتابخانه ملی ایران، ذیل «جامع التمثیل»، به شماره ۳۲۹۱۵-۵ موجود است. مشخصات این نسخه هنوز در فهرست‌های چاپی کتابخانه ملی ایران موجود نیست.
۲. این چاپ بر اساس نسخه کتابخانه ملک انجام گرفته است: حبله‌رودی، محمدعلی (۱۳۹۰)، *جامع التمثیل*، تصحیح حسن ذوالفقاری، تهران، معین.
۳. برای به دست آوردن میانگین امثال و حکایت‌ها ابتدا مجموع تعداد امثال و حکایت‌های دو یا سه نسخه از هرگروه را احصا و سپس آنها را بر تعداد نسخه‌های هر گروه تقسیم کرده‌ایم. بدیهی است که این اعداد تقریبی است، اما به سبب فاصله بسیاری که تعداد امثال و حکایت‌های دو گروه با یکدیگر دارند، یقیناً این تقریب و احتمال تأثیری در نتیجه‌گیری ما ندارد.
۴. این بخش‌ها از نسخه کتابخانه ملک نقل می‌شود و از آنجا که نسخه‌های این گروه شباهتی تام به یکدیگر دارند، می‌توان اطمینان داشت که بخش‌های مذکور در بقیه نسخه‌ها نیز به همین صورت است؛ البته در جاهایی که نسخه ملک ایراد داشته و متن مبهم بوده، از نسخه مجلس کمک گرفته شده است.
۵. ارجاعات این نسخه بر اساس شماره‌هایی است که در بالای صفحات آن درج شده است.
۶. برای این منظور از نسخه کتابخانه ایندیا آفیس (با حرف اختصاری بر) و نسخه ملک (با حرف اختصاری مل) استفاده می‌کنیم. این دو نسخه از جمله صحیح‌ترین نسخه‌ها در گروه خود هستند.
۷. امثال گروه «آب» در برخی از فصول (مثلاً حرف واو) بسیار بیشتر از مجمع الأمثال است.
۸. عکس این نسخه در بخش نسخ خطی پایگاه الکترونیکی کتابخانه ملی ایران، ذیل «جامع التمثیل»، به شماره ۳۵۲۴۹-۵ موجود است.
۹. کثرت آیات و احادیث به کار رفته در نسخه‌های گروه «م» این احتمال را تقویت می‌کند.
۱۰. در این مقاله نام حبله‌رودی گاه به صورت هبله‌رودی نیز نگاشته شده است؛ دلیل آن این است که صادق کیا در تصحیح کتاب مجمع الأمثال نام حبله‌رودی را به هبله‌رودی تغییر داده است و ما در ارجاع به مجمع الأمثال ناگزیر از شیوه نگارش ایشان تبعیت کرده‌ایم.

منابع

- اشکوری، سیدجعفر (۱۳۸۸)، *فهرست کتب خطی کتابخانه مجلس*، ج ۲۸، تهران، کتابخانه مجلس.
- افشار، ایرج و محمدتقی دانش‌پژوه (۱۳۵۴)، *فهرست کتاب‌های خطی کتابخانه ملی ملک*، ج ۲، تهران، دانشگاه تهران.
- حبله‌رودی، محمدعلی، *جامع التمثیل*، شماره سند ۲۲۰۹، نسخه خطی کتابخانه ایندیا آفیس.
- _____، *جامع التمثیل*، شماره سند ۱۱۳۵، نسخه خطی کتابخانه ملک.
- دانش‌پژوه، محمدتقی (۱۳۴۸)، *فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران*، ج ۱، تهران، دانشگاه تهران.

سروری کاشانی، محمدقاسم (۱۳۳۸)، *مجمع الفرس*، تصحیح محمد دبیرسیاقی، تهران، کتابفروشی علی اکبر علمی.

عوفی، محمد (۱۳۸۷)، *جوامع الحکایات و لوامع الروایات*، تصحیح امیربانو مصفا، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

————— (الف، ۱۳۸۶)، *جوامع الحکایات و لوامع الروایات*، تصحیح امیربانو مصفا، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

————— (ب، ۱۳۸۶)، *جوامع الحکایات و لوامع الروایات*، تصحیح امیربانو مصفا، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

————— (ج، ۱۳۸۶)، *جوامع الحکایات و لوامع الروایات*، تصحیح امیربانو مصفا، مظاهر مصفا، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

گلچین معانی، احمد (۱۳۴۶)، *فهرست کتب خطی کتابخانه آستان قدس رضوی*، ج ۷، کتابخانه آستان قدس رضوی.

قره العین (۱۳۵۴)، مؤلف ناشناس، تصحیح امین پاشا اجلالی، تبریز، چاپخانه شفق.

هبله رودی، محمدعلی (۱۳۴۴)، *مجمع الأمثال*، تصحیح صادق کیا، تهران، اداره فرهنگ عامه.

Abdul muqtadir, maulavi (1925), *Catalogue of the Arabic and Persian manuscripts in the oriental public library at bankipore*, vol ix, Calcutta.

Ethé, H. (1903-37), *Catalogue of the Persian manuscripts in the Library of the India Office*, vol 1, Oxford.